



20.1001.1.29809185.1402.2.2.1.7

مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری تقریبی در منابع حدیثی و تاریخی شیعه امامیه

مسعود بهرامیان^۱ فاطمه فتوحی پناه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

چکیده

تاریخ‌نگاری صورت مکتوب تاریخ‌نگاری است. بینش، نگرش، دانش و روش مورخ در نگارش اثر او تأثیر دارد. یکی از مهمترین نگرش‌ها و بینش‌های مورخ، دیدگاه تقریبی و ضدتبعی و پرهیز او از تعصب در نقل رویدادهای تاریخی است؛ رویکردی که مورخ را در نقل روایات بر آن می‌دارد تا علاوه بر ذکر فضایل بزرگان مذهبی خود، فضایل بزرگان مذهب مقابل را نیز در راستای سیاست تقریب بیان کند. البته ناگفته پیداست که اهمیت و جایگاه پیامبر خدا ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام و نوع دیدگاه مورخان نسبت به ایشان، به عنوان محور اتحاد جامعه اسلامی، در نوع نگرش آنان در تاریخ‌نگاری جایگاه مهمی داشته و این خاندان همواره در طول تاریخ کانون محوری و حلقه وصل اکثریت مورخان اسلامی بوده‌اند. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ این پرسش‌هاست که مهمترین مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری تقریبی در اصول کافی، ارشاد، اعلام الوری، فضایل اهل‌بیت و کشف الغمبه چیست و تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟ نگارندگان با بررسی منابع فوق به این نتیجه رسیده‌اند که پرهیز از بدگویی و دشنام، رعایت احترام، اعتدال و ادب اختلاف، ارائه قرائت و فاق‌آمیز از نقاط اختلاف، استناد به منابع مذاهب مختلف و پرهیز از بحث‌های جدلی از مهمترین مؤلفه‌های تقریبی در این آثار است. همچنین محیط جغرافیایی، شرایط تاریخی و زیستی مؤلفان و استادان آنان بر دیدگاه‌های تقریبی یا ضدتقریبی‌شان اثرگذار بوده است.

کلیدواژه‌گان: تاریخ‌نگاری تقریبی، آل کساء، منابع فریقین.

۱. دکترای تاریخ اسلام (نویسنده مسئول) / Mbahramian62@gmail.com

۲. دانشجوی رشته تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی / fotuhipanah@gmail.com

* بهرامیان، مسعود و فتوحی پناه، فاطمه. (۱۴۰۲). «مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری تقریبی در منابع حدیثی و تاریخی شیعه امامیه»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۲، صص ۲۶-۹.



مقدمه

مورخان با بینش‌ها و رویکردهای متفاوتی تاریخ را می‌نویسند که یکی از آن‌ها، بینش تقریبی است. رویکرد تقریبی مورخ یکی از دلایل ماندگاری اثر او در میان مخاطبان همه مذاهب محسوب می‌گردد. امروزه با توجه به اوضاع جهان اسلام، خلق آثاری با این رویکرد و نگرش از ضروریات محافل علمی است. اعتدال در نقل روایات و انصاف در گزارش داده‌های تاریخی ذیل رویکرد تقریبی قرار می‌گیرد. در میان مورخان و محدثان شیعه نیز پیروان هر دو رویکرد ضدتقریبی و اعتدال دیده می‌شوند. در محافل دانشگاهی و علمی ایران در خصوص مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری تقریبی پژوهشی جدی انجام نشده و پژوهش حاضر می‌تواند آغازگر فصلی جدید در این حوزه باشد.

نگارندگان از میان منابع متعدد تاریخ تشیع پنج کتاب اصول کافی (قسمت اتمه)، الارشاد شیخ مفید، اعلام الوری طبرسی، فضایل اهل بیت طبری و کشف الغمه اربلی را با در نظر گرفتن تاریخ تألیف آن‌ها (قرون ۳-۷ ق) و به تناسب محیط‌های مختلف جغرافیایی انتخاب نموده‌اند.

تاکنون تحقیق مجزا و مستقلی در باب تاریخ‌نگاری تقریبی انجام نشده و در بررسی منابع تاریخ تشیع به جنبه‌های دیگر آن‌ها پرداخته شده است. برای نمونه در مقاله بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی اثر عبدالرضا حمادی و سید علیرضا حسینی که در سال ۱۳۹۳ در شماره یازدهم نشریه حدیث پژوهی به چاپ رسیده، نویسندگان تنها به ذکر استادان کلینی در شهرهای ری، قم، کوفه، بغداد و سایر حوزه‌ها پرداخته‌اند و اشاره‌ای به مباحث تقریبی نکرده‌اند. در مقاله دیگری با عنوان شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد با توجه به برخی مبانی کلامی و اصولی او از نعمت‌الله صفری فروشانی که در سال ۱۳۸۶ در شماره هجدهم نشریه شیعه‌شناسی به چاپ رسیده، نویسندگان بعد از پرداختن به زندگی شیخ مفید به جایگاه کتاب الارشاد پرداخته و درباره مبانی کلامی شیخ مفید مانند مخالفت با آفرینش پیشینی اتمه و... اطلاعاتی ارائه داده، اما به تاریخ‌نگاری تقریبی اشاره‌ای نکرده است. در مقاله معرفی و بررسی تحلیلی سه اثر کهن تاریخ شیعه: الارشاد، اعلام الوری و کشف الغمه به قلم علی کربلایی پازوکی که در سال ۱۳۸۶ در شماره سیزدهم نشریه



تاریخ اسلام در آینه پژوهش به چاپ رسیده نیز تنها روش تدوین این آثار بررسی شده است. بخش مهم و اصلی این مقاله مقایسه محتوای این سه اثر از نظر کیفیت نقل اخبار تاریخی به لحاظ سند و اعتدال در نوشتار، اجمال و تفصیل مطالب نقل شده، نقادی اخبار، بیان تحلیل‌های عقلی، کیفیت استفاده از منابع، استفاده از شیوه‌های ادبی در کتاب و سبک و شیوه تاریخ‌نگاری است. از میان این مطالب، بخش استفاده از منابع و اعتدال در نوشتار تقریباً با پژوهش حاضر مرتبط است؛ البته در پژوهش حاضر علاوه بر اعتدال و استفاده از منابع، مؤلفه‌های دیگری نیز استخراج شده است.

تعریف مفاهیم

۱. تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری، وصف و ثبت وجه‌گوناگون حیات و احوال انسان در عرصه سیاست و اجتماع است (سجادی، ۱۳۶۷، ۳۰۲/۱۴) که نوع برداشت مورخ از وقایع تاریخی و سیر تحول این وقایع است. این گونه برداشت‌ها از اوضاع حاکم بر جامعه و تربیت خاص تأثیر پذیرفته و بینش، دانش و روش و ارزش‌های مورخ را به وجود می‌آورند (رضوی، ۱۳۸۵، ۱۸). توصیف مکتوب احوال و اعمال انسان را به هر روش و مبتنی بر هر مکتب و رعایت هر شیوه تنظیم و تدوین را می‌توان تاریخ‌نگاری خواند که در معنای خاص به ثبت وقایع و احوال سیاسی و اجتماعی هر قوم یا جامعه جهانی اطلاق می‌گردد. عامل متغیر در فن تاریخ‌نگاری، انگیزه‌ها، اهداف، فواید یا علل غایی تاریخ‌نگاری است (عالم‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۱).

۲. تقریب

تقریب از واژه "قرب" و ضد بعد بوده و به معنای نزدیکی زمانی و مکانی و نزدیک کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ۸۲/۱۱). علامه محمد تقی قمی از بنیانگذاران تقریب در دوره معاصر، آن را این گونه تعریف می‌کند: «هدف ما اندماج مذاهب فقهی در یکدیگر نیست، زیرا اختلاف امری است طبیعی... و در این گونه اختلافات، زیانی نبوده بلکه موجب توسعه فکری و فراهم آمدن تسهیلات و گشایش رحمت الهی خواهد بود» (تهوری، ۱۳۸۲، ۶۶).



تقریب به نظر نویسندگان این مقاله عبارت است از نزدیک کردن اندیشه‌ها، عقاید و افکار پیروان مذاهب اسلامی و آماده ساختن آنان برای زدودن خرافات، جهل، تعصبات و گشودن باب گفت‌وگو برای نیل به زیست مسالمت‌آمیز.

۳. آل کسا

آل کسا پنج معصومند؛ یعنی پیامبر خدا ﷺ، حضرت زهرا علیها السلام، امام علی علیه السلام و حسین علیه السلام. حدیث معروف کسا در خصوص معرفی و اهل بیت نامیدن ایشان در منابع اسلامی مشهور است. طبق منابع، پیامبر عبایی بر آن‌ها افکند و فرمود: «خداوند! این‌ها خاندان من هستند. رجس و آلودگی را از ایشان دور کن» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۲/۲۲۶).

مؤلفان کتب مورد پژوهش

۱. کلینی (۲۵۸-۳۲۹ ق)

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، معروف به «ثقة الاسلام» در قرن سوم و در اواخر عصر امامت امام عسکری علیه السلام در کلین، از توابع ری به دنیا آمد. یعقوب پدر ابوجعفر محمد از عالمان زمان خود در ری بود. مردم منطقه مسائل شرعی را از او می‌پرسیدند. مقام و جایگاهش آن قدر بالا بود که آرامگاهش زیارتگاه مردم شد (طاووسی، ۱۳۹۰، ۱۶۶/۱۴). کلینی دوران طفولیت و فراگیری علوم مقدماتی را در کلین سپری کرد و برای ادامه تحصیل راهی شهرهایی مانند قم، کوفه و بغداد شد و تا آخر عمر در بغداد ماند (صابری، ۱۳۸۴، ۲/۲۳۴). او از افرادی مانند ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صاحب *بصائر الدرجات*، احمد بن ادریس قمی، علی بن ابراهیم قمی نقل حدیث کرده و افرادی مانند ابن قولویه صاحب *کامل الزیارات*، ابن ابی زینب، محمد بن احمد صفوانی، ابن ابی رافع نیز از او حدیث نقل کرده‌اند (گرجی، ۱۳۸۷، ۱۲۸-۱۲۶). از کلینی آثاری مانند *تفسیر الرؤیا*، *الرد علی القرامطه*، *رسائل الاثمه*، *للرجال و ما قیل فی الاثمه من الشعر و اصول کافی* به جای مانده که معروفترین آن‌ها اصول کافی است (صابری، ۱۳۸۴، ۲/۲۳۵).

۲. شیخ مفید (۳۳۸/۳۳۶-۴۱۳ ق)



ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی، معروف به ابن‌المعلم و شیخ مفید (ابن‌ندیم، بی‌تا، ۳۶۵) در سال ۳۳۶ یا ۳۳۸ هـ در عکبرا، شهری بین موصل و بغداد متولد شد و در سال ۴۱۳ هـ در بغداد درگذشت. گفته‌اند در مراسم تشییع جنازه او شیعیان و اهل سنت حضور داشتند و جا برای نماز خواندن به زحمت پیدا می‌شد. سید مرتضی بر جنازه استاد خود نماز خواند (الارشاد، ۱۳۸۰، ۲/۱-۴، صابری، ۱۳۸۴، ۳۳۹/۲).

از اساتید مفید می‌توان به ابن‌قولویه قمی، ابو عبدالله جعل، ابو جعفر صدوق، ابو غالب زراری، ابوبکر محمد جعابی، ابن جنید اسکافی و علی بن عیسی ربانی اشاره کرد. مهمترین شاگردان او سید مرتضی، سید رضی، نجاشی، شیخ طوسی و سلار دیلمی بودند (هرندی، ۱۳۹۲، ۲۲۶؛ صابری، ۱۳۸۴، ۲۴۰/۲).

اوائیل المقالات فی المذاهب و المختارات، شرح اعتقادات، الارشاد، العیون و المحاسن، الافصاح فی الامامه امیر المؤمنین، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره از مهمترین آثار شیخ مفیدند (cgie.org.ir؛ صابری، ۱۳۸۴، ۲۴۱/۲).

موقعیت علمی شیخ مفید زبازد دوران خود بود. او در کلام، صاحب جایگاه والایی بود و حتی در مناظره‌ای که با قاضی عبدالجبار داشت از طرف او لقب «مفید» گرفت و قاضی او را «انت‌المفید حقاً» خواند (الارشاد، ۱۳۸۰، ۳/۱). یکی از مهمترین اقدامات شیخ مفید، مقابله با ظاهرگرایی اهل حدیث در مذهب تشیع و گرایش عقلی و استدلالی در فقه شیعه بود تا آنجا که اختلاف نظر بین دو مکتب کوفه و قم توسط او سروسامان گرفت (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۵).

۳. طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ق)

امین‌الدین (امین‌الاسلام) ابوعلی فضل بن حسن مشهور به طبرسی در سال ۴۶۸ هـ در روستای تفرش (امروزه شهری در استان مرکزی) زاده شد. دوران مقدماتی را در زادگاه خود گذراند، ولی علوم متوسطه و عالی را در خراسان نزد افرادی مانند عبدالجبار بن عبدالله مقری رازی، محمود بن حمزه بن نصر کرمانی، ابونصر عبیدالله شافعی و... کسب کرد. همین شاگردی پیش اساتید اهل سنت بر بیشش تقریبی او اثرگذار بود. طبرسی بعد از سال‌ها تدریس در مدارس خراسان، در سال ۵۴۸ ق در سبزوار دیده از جهان فروبست و در





مشهدالرضا به خاک سپرده شد (طبرسی، ۱۳۸۸، ۱۸). مهمترین شاگردان او عبارتند از: ابن شهر آشوب، قطب‌الدین راوندی، منتجب‌الدین، شاذان بن جبرئیل قمی (خوانساری، ۱۳۹۰، ۵/۳۵۷). مهم‌ترین آثار او نیز از این قرارند: *مجمع البیان لعلوم القرآن* (در تفسیر قرآن)، *الکافی الشافی من الکتاب الکشاف (التفسیر الوجیز)*، *جوامع الجوامع*، *اعلام الوری باعلام الهدی*، *الاداب الدینیة للخزان المعینیة*، *تاج الموالید*، *نثر اللئالی* (طبرسی، ۱۳۸۸، ۲۰-۱۹).

۴. عمادالدین طبری (ف ۷۰۱ ق)

عمادالدین حسن بن علی بن محمد بن علی طبری عالم و محدث شیعه اثنی عشری در سده هفتم قمری در شهر کجه، بین آمل و چالوس به دنیا آمد و به این دلیل به کجی طبری نیز مشهور است. او برای کسب علم سفرهایی از آمل به ری، نجف، نیشابور و اصفهان داشت. سید ابوطالب یحیی بن محمد جوانی حسینی طبری، ابومحمد حسن بن حسین بن بابویه رازی، ابوالنجم محمد بن عبدالوهاب رازی، ابوعلی حسن بن محمد طوسی فرزند شیخ الطائفه و شریف ابوالبرکات عمر بن ابراهیم حسینی کوفی از جمله استادان طبری بودند. ابن بطریق از شاگردان طبری از استاد با عنوان «الشیخ الفقیه العالم» نام برده است (ابن بطریق، ۱۴۰۷ ق، ۷). طبری در جوانی به مذهب تشیع گروید. او می‌نویسد: «بنابراین حمد و ثنا خدای را که مصنف این کتاب در مبدأ جوانی و عنفوان ایام شباب خویش تمسک بدین خاندان کرد و بدین خاندان موافق آمد» (عمادالدین طبری، ۱۳۹۱، ۹). *مناقب الطاهرین*، *کامل در سقیفه (کامل بهایی)*، *معتقد الامامیه*، *رساله اربعین*، *تحفه الا برار فی مناقب الائمة الاطهار*، و *اسرار الامامه* از مهمترین آثار طبری‌اند. تاریخ وفات و محل دفن او مشخص نیست (عمادالدین طبری، ۱۳۹۱، ۱۵-۱۴).

۵. اربلی (۶۲۰-۶۹۲ ق)

ابوالحسن بهاء‌الدین علی بن عیسی فخرالدین بن ابی‌الفتح بن هندی الشیبانی الاربلی از دانشمندان شیعی قرن هفتم قمری است که حدود سال‌های ۶۲۰-۶۲۵ ق در اربل عراق به دنیا آمد (جعفریان، ۱۳۷۹، ۲۰۹). دوران نوجوانی او مصادف با حمله مغول به جهان اسلام و قسمت‌هایی از عراق بود. در ۲۸ سالگی به ریاست دیوان انشای اربل منصوب شد (اربلی، بی تا، ۴/۱؛ جعفریان، ۱۳۷۹، ۲۱۲).

بعد از سقوط بغداد به دست مغولان و حکومت عظاملک جوینی بر این شهر به نیابت مغولان، اربلی در دربار حاکم بغداد و در دیوان انشا مشغول فعالیت شد (اربلی، بی تا، ۴۱). مذهب و علاقه‌مندی جوینی به اهل بیت و ادب‌دوستی او نقطه اتصال اربلی با او بود. دوران سختی اربلی در زمان امارت سعدالدوله یهودی بر عراق بود. البته این دوران حدود چهار سال (۶۸۷-۶۹۰ ق) بیشتر طول نکشید و بعد از آن اربلی به کارهای علمی خود پرداخت و سرانجام در سال ۶۹۲ ق در بغداد درگذشت (اربلی، بی تا، ۵/۱).

توان علمی و ادبی اربلی مثال‌زدنی است. اشراف او بر مباحث ادبی منجر به ریاستش بر دیوان انشا در اربل و بغداد گردید. مهمترین اثر او در این زمینه رساله الطیف و تذکره الفخریه است. از جمله اربلی در کتاب کشف الغمه می‌توان استنباط کرد که او ابتدا به مذهب اهل سنت بوده و سپس به تشیع گرویده است. تشیع او از نوع معتدل و غیر افراطی بود (اربلی، بی تا، ۳/۱). وی کتاب کشف الغمه را در اواخر عمر در سال ۶۷۸ ق نوشت (اربلی، بی تا، ج ۱، مقدمه).



اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران مرکزی و عراق از شیخ کلینی تا اربلی
قرون سوم و هفتم قمری در تاریخ ایران مصادف است با ظهور سلسله‌های کوچک محلی متعدد، پیدایش دوران رنسانس اسلامی، منازعات مذهبی - قومی (میان شیعیان و اهل سنت از یک سو و حنفی‌ها و شافعی‌ها و حنبلی‌ها از سوی دیگر) و در نهایت حمله مغول و سرنگونی حکومت‌های ایرانی و خلافت عباسیان.
این قرون با تسلط ترکان بر دربار خلافت عباسی مصادف بود که نمود بارز آن عدم تمرکز قدرت خلافت و بازیچه بودن مقام خلافت در دست حاکمان ترک (۳۳۴-۲۳۲ ق) می‌باشد. در اوایل قرن چهارم، شرق جهان اسلام شاهد ظهور حکومتی ایرانی - شیعی بود. سه برادر به نام‌های علی، حسن و احمد از اوضاع نابه‌سامان ایران مرکزی، جبال و عراق عرب استفاده کردند و با تأسیس حکومت آل بویه موفق شدند این مناطق و بغداد را تصرف کنند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ۲۱۲/۱) و به تسلط ترکان بر دربار خلافت پایان دهند. در این دوران شاهد زایش تمدن اسلامی و ظهور دانشمندان بزرگ اسلامی هستیم، اما در کنار این،



زمینه‌ها و دلایل مختلفی مانند «نبود عقلانیت دینی»، «ناآگاهی مردم»، «جمعیت ناهمگون»، «پویایی اقلیت‌های دینی»، «نبود امنیت»، «تقابل فکری تشیع آیینی و اهل حدیث»، «نزاع‌های قومی»، «فریب افکار عمومی» و «حوادث طبیعی» جامعه اسلامی را دچار واگرایی کرد (بهرامیان و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۱۳-۱۰۳). سرانجام با قدرت‌گیری ترکمن‌های شمال شرق ایران و تسلط آنان بر بخش‌هایی از ایران و عراق، حکومت آل‌بویه از میان رفت.

عصر سلاجقه در آغاز از آرامش و امنیت نسبی برخوردار بود، ولی از زمان سنجر (م ۵۵۲ق) به بعد جامعه ایران به تفرقه سیاسی و اجتماعی دچار شد. ظهور سلاجقه در ایران را می‌توان در ابعاد مختلفی بررسی کرد. سلجوقیان برای مشروع قلمداد کردن حکومت خود، نهاد خلافت بغداد را همچنان به‌سان یک مظهر وحدت نگه داشتند (حائری، ۱۳۹۴، ۲۲)، اما در عین حال فضای نیمه‌باز مذهبی را فراهم کردند. تأسیس مدارس نظامیه خود مصداق این موضوع است. در این عصر، شیعیان برخلاف دوره غزنویان از آزادی بیشتری برخوردار شدند. آنان موفق شدند مداری در شهرهای شیعه‌مذهب مانند قم، ری، کاشان، آوه و سبزوار تأسیس کنند. در کتاب *النقض* آمده که ۴۰۰ نفر پای درس شیخ عبدالجبار بن عبدالله بن علی مقری در ری حضور داشتند (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸، ۳۵).

حکومت خوارزمشاهیان دوران مستعجل در تاریخ ایران است؛ عصری که مقابله با دربار خلافت به حداکثر خود رسید. این عامل در کنار عوامل دیگر، ایران را به تقابل با حمله مغولان سوق داد؛ حمله‌ای که در دو مرحله (چنگیزخان و هلاکوخان) ایران و عراق را به ورطه نابودی کشاند. این حمله در کنار آثار و نتایج ناگوار خود حداقل از باب تسامح دینی مغولان حائز اهمیت است. این تسامح باعث شد پیروان مذاهب اسلامی و ادیان دیگر در جامعه اسلامی بیشتر از عصر ماقبل مغول، به فعالیت‌های خود ادامه دهند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵، ۲۳۲).

مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری تقریبی در مناقب آل کسا

یک اثر تاریخی باید دارای مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری تقریبی چندی باشد که بتوان آن را

اثری تقریبی نامید؛ از جمله:

- پرهیز از بدگویی و دشنام: مؤلف در ذکر اشخاص و بزرگان دینی و پیروان آنان از ناسزاگویی و نسبت دادن القاب زشت به آنان پرهیز کند و با احترام از آنان نام برد؛
- رعایت احترام، اعتدال و ادب اختلاف: نویسنده علاوه بر احترام به مقدسات پیروان مذاهب در هنگام ذکر موارد اختلافی ادب و نزاکت را رعایت کند؛
- ارائه قرائت و فاق آمیز از نقاط اختلاف: مؤلف تا آنجا که می تواند جهت همبستگی پیروان مذاهب اسلامی از ذکر مباحث اختلافی پرهیزد یا با رویکردی وحدت گونه از آنان سخن بگوید؛
- استناد به منابع فریقین: استفاده از منابع مذاهب مختلف یکی از مؤلفه های تاریخ نگاری تقریبی است. خواننده ضمن مطالعه کتاب پی به این امر می برد که نویسنده بر منابع مختلف از مذاهب گوناگون اشراف دارد و با بیان آن ها بر انعطاف یا حتی قوت اثر خود می افزاید؛
- پرهیز از بحث های جدلی: نویسنده تا حد امکان از مباحث تاریخی اختلاف انگیز پرهیز می کند و به مسائل روز و عصر خود می پردازد؛
- رعایت انصاف در نقل فضایل: مؤلف فضایل بزرگان و پیروان مذهب مخالف را نادیده نمی گیرد.

۱. پرهیز از بدگویی و دشنام

قرآن کریم دشنام دادن حتی به سران کفر و نفاق را منع کرده و می فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸). در سیره ائمه اطهار نیز این قضیه را به وفور مشاهده می کنیم. مثلاً در منابع تاریخی آمده است که زمانی که یاران علی علیه السلام در جنگ صفین معاویه و یاران او را دشنام می دادند، امام سریع آنان را از این کار منع کرد و فرمود: «نمی پسندم که آنان را لعن و ناسزا گوئید... چه نیکوست که به جای نفرین چنین دعا کنید: خداوندا! جان ما و ایشان را حفظ کن و بین ما و ایشان را اصلاح گردان و آنان را از گمراهی شان نجات ده تا آن که حق را نمی داند بشناسد و این برای شما نزد من بهتر و نیکوتر است» (ابن مزاحم منقری، ۱۴۱۸ق، ۱۰۳). در کشف الغمّه، اعلام الوری و اصول کافی چیزی از دم، سب و بدگویی آل کسا به مخالفان گزارش نشده است.





۲. رعایت احترام، اعتدال و ادب اختلاف

یکی از شاخصه‌هایی که می‌توان از طریق آن به رویکرد تقریبی مورخ پی برد، احترام به طرف مقابل، رعایت اعتدال و همچنین برخورد مؤدبانه با اختلافات است. اربلی به دنبال اسامی مورخین، محدثین و فقهای اهل سنت که از آنان نقل روایت می‌کند، عبارات زیبایی مانند «رحمه الله» می‌آورد که نشان از احترام او به آنان است. به عنوان نمونه در جلد اول کتاب کشف الغمه هنگامی که از ابوالمؤید خوارزمی اهل سنت و صاحب مناقب نام می‌برد، او را با دعای «رحمه الله» یاد می‌کند یا پس از ذکر اسم سلمه، ام المؤمنین، عبارت احترام‌آمیز «رضی الله عنها» را هم ذکر می‌کند (اربلی، بی‌تا، ۱۹۱/۱، ۱۹۹). نیز حادثه‌ای از دوران خلیفه دوم ذکر می‌کند که قابل توجه است. او می‌گوید زمانی که عمر بن خطاب در حال خطبه‌خوانی بوده، حسین بن علی به او اعتراض می‌کند که از منبر پدر من پایین بیا. خلیفه گریسته و حرف حسین را پذیرفته و همراه با او بر منبر قرار گرفته و آنگاه گفته: ای مردمان از پیامبر شنیدم که می‌فرمود مرا محافظت کنید در باب عترت و ذریه من. هر که مرا محافظت نماید درباره ایشان، خدای تعالی او را محافظت نماید و لعنت خدا بر کسی که بی‌آزار در آزار ایشان و رسول الله این را سه بار تکرار نمود (اربلی، بی‌تا، ۵۵۲/۱). یا در جلد دوم همین کتاب، عایشه، ام المؤمنین خطاب به فاطمه علیها السلام می‌گوید: «آیا بشارت ندهم تو را که من از پیامبر شنیدم که فرمود که بهترین زنان اهل جنت چهارند: مریم بنت عمران، فاطمه بنت محمد، خدیجه بنت خویلد و آسیه بنت مزاحم زن فرعون» (اربلی، بی‌تا، ۵/۲). حال این احترام و رعایت ادب اختلاف مناسب‌تر است یا بی‌احترامی به بزرگان و مقدسات پیروان مذاهب دیگر؟ مسلماً چنین رویکردی می‌تواند باعث جذب قلوب مردم گردد. در جهان حاضر اگر بخواهیم دیگر پیروان مذاهب را به خود نزدیک کنیم یکی از بهترین و کم هزینه‌ترین راه‌ها همین رعایت ادب اختلاف و احترام به دیگران با هر کیش و آیینی است.

طبرسی هنگام یاد کردن از علمای اهل سنت با احترام از آنان یاد می‌کند. به عنوان نمونه در اعلام‌الوری از ابوسعید خرقوشی با عنوان «استاد ابوسعید خرقوشی، اندرزگر پارسا» نام می‌برد (طبرسی، ۱۳۸۸، ۵۰). همو از زبان ام المؤمنین عایشه می‌گوید: «پیامبر هیچ مردی را از

علی و زنی را از فاطمه دوست تر نمی داشت» یا در حدیثی دیگر از عایشه می نویسد: «هرگاه فاطمه نزد پیامبر خدا می آمد، پیامبر به احترام او از جا برمی خاست و چهره اش را می بوسید و او را در جای خویش می نشاند» (طبرسی، ۱۳۸۸، ۲۹۱). احتمالاً چنین بینشی از سوی طبرسی و اربلی به خاطر آن است که در روزگار این دو، شیعیان در اقلیت بوده اند و عالمان شیعه گرایش اعتدالی داشته اند (کربلایی، ۱۳۸۶، ۲۱۲).

آثار مورد پژوهش در این مقاله، این مؤلفه را بیشتر رعایت کرده اند. به عنوان نمونه طبرسی در کتاب خود اشاره ای به برخورد حضرت زهرا علیها السلام با حاکمیت وقت نکرده است (طبرسی، ۱۳۸۳، ۱/۱-۳۰-۲۹۰).

۳. ارائه قرائت وفاق آمیز از نقاط اختلاف

اختلاف میان انسان ها یک سنت الهی است. جامعه عاری از اختلاف جامعه ای آرمانی و تحقق ناپذیر است. در جامعه اسلامی اختلاف بین اهل سنت و تشیع همواره وجود داشته است. اما در تاریخ تمدن اسلامی نویسندگان و مورخان بوده اند که به جای تأکید بر نقاط اختلافی مسلمانان بر نقاط اشتراکی آنان متمرکز بوده اند. در ادامه به برخی از آنان اشاره می شود.

سید مرتضی نقل می کند حدود پانصد نفر از شیعیان زیدیه و غیر آن در مسجد کوفه دور شیخ مفید جمع شده بودند. مردی از زیدیه که قصد فتنه انگیزی و اختلاف افکنی بین شیعه زیدی و اثنی عشری داشت، شیخ را مورد خطاب قرار داد و گفت: «چگونه توجیه می کنی انکار امامت زید بن علی را؟ شیخ فرمود: تو بر من گمان باطل بردی! آنچه من در مورد زید اعتقاد دارم، هیچ کس از زیدیه با آن مخالف نیست! مرد پرسید: اعتقاد تو در مورد امامت زید بن علی چیست؟ شیخ فرمود: من از امامت زید همان را می پذیرم که زیدیه قبول دارند و آنچه را آنان رد می کنند، من نیز رد می کنم. پس می گویم: زید پیشوا در دانش و زهد و امر به معروف و نهی از منکر بود و امامتی که صاحب آن باید نص و معجزه و عصمت داشته باشد، نداشت و این چیزی است که هیچ کس از زیدیه با من در آن مخالف نیست.





همه افراد حاضر در جلسه از شیخ تشکر کردند و شیطنت و فتنه‌گری آن مرد باطل شد (آذرشب، ۱۴۲۱ق، ۲۵).

اربلی در جلد اول کشف الغمه در خصوص تقدم بنی هاشم بر دیگر مردم، سخنی از خلیفه دوم نقل می‌کند: «عمر می‌گفت به کتاب و دواوین خود که نام مرا بر نام بنی هاشم مقدم منویسید و این را از مناقب او شمرده‌اند...» (اربلی، بی‌تا، ۴۲/۱). همچنین به ماجرای قلم و دوات اشاره‌ای نمی‌کند (اربلی، بی‌تا، ۱۸/۱).

طبرسی در اعلام‌الوری روایتی نقل می‌کند که از آن وحدت استنباط می‌گردد. روایت به این شکل است که: «ابوخازم گوید در نزد نعمان بن ابی‌عیاش، این حدیث را برای مردم می‌خواندم. او گفت: همین‌گونه از سهل شنیدی که می‌گفت؟ گفتم: آری. او گفت: من هم گواهی می‌دهم که ابوسعید خدری بر آن حدیث می‌افزود؛ پیامبر می‌فرمود: آنان امت منند [چرا از نوشیدن آب کوثر بازداشته شده‌اند] پاسخ خواهد آمد: نمی‌دانی پس از تو چه کردند. پس خواهم گفت: در رنج و شکنجه باشند کسانی که پس از من در دین دگرگونی و تغییر داده‌اند» (طبرسی، ۱۳۸۸، ۸۸). علاوه بر این به اختلافات حضرت زهرا و شیخین بعد از فوت پیامبر اشاره‌ای نمی‌کند و از بیعت مردم با خلیفه اول خیلی سریع می‌گذرد (طبرسی، ۱۳۸۸، ۳۰۱-۲۹۰، ۲۷۱).

کلینی در جلد سوم مانند اهل سنت تاریخ تولد و وفات پیامبر را دوازدهم ربیع‌الاول می‌داند (کلینی، ۱۳۹۰، ۱۹۵/۳). زمانی که خلیفه دوم، از تجمع ایرانیان و قصدشان برای اخراج اعراب از شهرهای خود آگاه شد، با صحابه مشورت کرد. در این بین علی رضی الله عنه صحبتی کرد که مورد نظر خلیفه قرار گرفت و آن این بود که: «... پارسیان هرگاه تو را ببینند می‌گویند این مرد پای عرب است، اگر او را از پای در آورید عرب را شکست داده‌اید و حضور تو در جنگ حرص آنان را زیاد می‌کند...» (مفید، ۱۳۸۰، ج ۱۹۸/۱).

۴. استناد به منابع فریقین

از مؤلفه‌های دیگر در تاریخ‌نگاری تقریبی استفاده مؤلف از منابع مذاهب دیگر است. این امر نویسنده را از تعصب و یک‌سونگری به تاریخ دور می‌سازد. البته ذکر این نکته

ضروری است که صرف استفاده از منابع مذاهب دیگر به منزله گام اول در نگارش اثری تقریبی است. گام دوم تحلیل و نقد منابع است.

نویسنده کتاب کشف العمه در اثر خود به کرات از منابع اهل سنت بهره جسته و علاوه بر آن به سبب ذکر نکردن اخبار اهل بیت در برخی منابع اهل سنت از آنان شکایت کرده است. اربلی مطالب را از منابع مختلف و کتاب‌های متعدد نقل کرده تا پذیرفته تر باشد. یکی از دلایل این امر را می‌توان بینش شخصی او و استادان اهل سنتش دانست؛ مثلاً حمیدی یکی از اساتید اوست که از کتاب *الجمع بین الصحیحین* بهره برده است (جعفریان، ۱۳۷۹، ۲۴۵). افراد یا آثاری که او از آن‌ها نام می‌برد عبارتند از: هشام بن عروه بن زبیر، صحیح مسلم: ۱-۲/ ۲۰-۸۸، صحیح بخاری: ۲-۱/ ۵۲۰-۱۲۹-۸۸، دلائل النبوه بیهقی: ۱۸۱/۱، ابن جوزی: ۱۸۱/۱، فخرالدین محمد الکنجی شافعی: ۲، ۴۷۵-۴۹۳، حاکم نیشابوری: ۳۱۳-۳۱۴/۲، سنن ترمذی: ۱/۲۱۱-۲۹۰-۲۹۲-۵۲۱، ۱۰/۲-۱۱، ابوالحسن رزین بن معاویه: ۱/۳۲۹، ۳۳۵، مسند امام احمد بن حنبل (به کرات)، ابن المغازی: ۱/۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۵۹، مناقب خوارزمی: ۱/۸۹-۹۲)، ابوهریره: ۲/۷۲.

عمادالدین طبری در آثار خود که اکثراً در مورد امامت است، از منابع اهل سنتی استفاده کرده که ضد اموی و محب اهل بیتند (عمادالدین طبری، ۱۳۹۱، ۲۶). او از افرادی روایت آورده که شیعه کمتر از آنان حدیث نقل کرده است؛ مانند ابن عباس: ۱۲-۱۳؛ عبدالله بن مسعود: ۱۴؛ محمود بن محمد الصالحانی الشافعی: ۲۰-۲۸-۵۴؛ عبدالله بن عمر: ۳۰؛ ابونعیم اصفهانی: ۴۳-۵۵، ابن مردویه اصفهانی: ۵۳، ابن قتیبه: ۶۸.

طبرسی مانند اربلی به کرات از منابع اهل سنت استفاده کرده است (رک. بخاری: ۴۴-۱۲۰-۲۳۹-۱۹۸، ابوبکر بیهقی: ۴۵-۱۰۱-۱۰۵-۱۳۱-۲۳۴-۴۲۰، ابن اسحاق: ۴۷-۲۴۳، خرگوشی: ۵۰-۴۰۱، ابوهریره: ۸۷، ابن منده: ۱۳۰، زهری: ۱۴۵). اعتبار سندی احادیث از ویژگی‌های مهم کتاب *اعلام الوری* است.

اعتبار احادیث کتاب *الارشاد* عمدتاً به این دلیل است که بخش قابل توجهی از روایان مورد اعتماد شیخ مفید در سندها، همچنین نزد دانشمندان حدیث و رجال اهل سنت مثل ابن اثیر و ابن حجر عسقلانی نیز مورد اعتماد بوده‌اند و این جایگاه رفیع کتاب *الارشاد* و اعتبار





مطالب آن را دو چندان می‌کند. به ویژه اینکه همین امر موجب گشته آنان نیز به مطالب و احادیث کتاب استناد کرده و برای اثبات ادعای تاریخی خود از آن‌ها بهره ببرند. شیخ مفید نیز در نقل مطالب سعی کرده از منابع اهل سنت نیز استفاده نماید؛ به عنوان نمونه: ابی طفیل عامر بن وائل، ۱۵؛ حسن بصری، ۱۹.

در کتاب *الارشاد* شیخ مفید نیز استفاده از منابع اهل سنت یا افرادی که کمتر به تشیع گرایش دارند اندک است، اما به هر حال از آن‌ها استفاده شده است؛ به عنوان نمونه: ابن عباس: ۷۲، ۷۷؛ زهری: ۹۰.

۵. پرهیز از بحث‌های جدلی

نویسنده *کشف الغمه* از بحث‌های جدلی پرهیز کرده است؛ برای نمونه در جلد اول، روایتی به نقل از ام‌المؤمنین عایشه در مورد جنگ جمل آورده به این ترتیب: «قلم قدر به قضای آن رفته بود. سپس از حال امیرالمؤمنین پرسیدم. گفت: کسی را از من سؤال می‌کنی که دوست‌ترین مردم است نزد رسول الله و زوج کسی است که او نیز احب مردم است بر رسول الله...» (اربلی، بی‌تا، ۶۴/۱). طبری در کتاب خود حدیثی از پیامبر نقل می‌کند مبنی بر این که پیامبر چهار گروه را نام می‌برد که در قیامت شفاعت آنان را می‌کند؛ چهارمین آنان افرادی هستند که اهل بیت پیامبر را به دل و زبان دوست دارند (طبری، ۱۳۹۱، ۱۹). حال با این حدیث شایسته است غیرشیعیانی که حب اهل بیت را در سینه دارند و در این خصوص اشعاری نیز سروده‌اند مانند امام شافعی، مورد محبت پیامبر قرار بگیرند. ابوسفیان در جمع فرزندان عبدمناف، سعی در تحریک علی در مخالفت با ابوبکر را داشت که با واکنش منفی علی مواجه شد و در پاسخ درخواست ابوحنظله گفت: برگرد ای ابوسفیان! سوگند به خدا از آنچه می‌گویی قصد خدا را نداری، برای خدا سخن نمی‌گویی. تو همواره با اسلام و اسلامیان به حيله گری رفتار می‌کنی (مفید، ۱۳۸۰، ۱۷۷/۱).

۶. رعایت انصاف در نقل فضایل و خدمات افراد و گروه‌ها

تاریخ‌نگار تقریبی در نقل گزاره‌های تاریخی از گروه‌های غیرهم‌کیش خود انصاف را رعایت می‌کند. طبرسی در کتاب *اعلام‌الوری* سعی کرده این اصل را رعایت کند. او هنگام سخن گفتن از جنگ تبوک، از خدمات عثمان بن عفان این گونه یاد می‌کند: نخستین کسی که بخشش کرد، عثمان بن عفان بود که با ظرف‌هایی از طلا آمد... تهی‌دستان و ناتوانان را سازویرگ داد (طبرسی، ۱۳۸۸، ۲۳۲).

نتیجه‌گیری

محیط طبیعی، شخصیت و اساتید مؤلفان ذکر شده در پژوهش حاضر، تأثیر بسیاری در بینش و نگرش تقریبی آنان داشته است؛ البته این به معنای تأثیر صددرصد آن نیست. اربلی ساکن عراق و طبری ساکن اصفهان در این زمینه قابل تأمل هستند. مسلماً گرویدن طبری در آغاز جوانی به مذهب تشیع در نوع دیدگاه او مؤثر بوده است.

در خصوص پرهیز از بدگویی و دشنام و پرهیز از بحث‌های جدلی در کتاب‌های کشف الغمه، *اعلام‌الوری* و *اصول کافی* ذم، سب و بدگویی گزارش نشده اما در کتاب *الارشاد* این مؤلفه‌ها کمتر نمود بیرونی دارد. احتمالاً یکی از دلایل آن شرایط تاریخی عصر شیخ مفید یعنی تسلط حکومت شیعه‌مذهب آل‌بویه بر بغداد و فعالیت آزادانه شیعیان در این دوران بوده است.

همچنین در مورد رعایت احترام، اعتدال و ادب اختلاف و ارائه قرائت وفاق آمیز از نقاط اختلاف، کتاب *اعلام‌الوری* و *کشف الغمه* حائز اهمیتند. به احتمال زیاد بینش طبرسی و اربلی ناشی از آن باشد که در قرون ۶-۷ ق شیعیان در اقلیت بودند و رویکرد غالب در میان عالمان شیعه رویکرد اعتدالی بود. به این دلیل در این دو کتاب احترام، اعتدال و ارائه قرائت وفاق آمیز نسبت به دیگر آثار مذکور در پژوهش حاضر بیشتر مشاهده می‌شود. رویکرد اعتدالی کتاب *کشف الغمه* در میان جامعه اهل سنت بسیار هواخواه داشت و یکی از دلایل ترویج تشیع در میان آنان بود.

در باب استفاده از منابع فریقین می‌توان گفت در کتاب *الارشاد* شیخ مفید به سبب غلبه رویکرد کلامی و عقلی منابع ذکر نشده و نویسنده نیز خود را ملزم به ذکر آنان نکرده است.



در میان منابع، کتاب *فضایل اهل بیت طبری* از اهل سنت نیز آثاری هست، اما مؤلف این آثار را به قصد اثبات حقانیت مذهب خود آورده است.

جدول ذیل میزان رعایت این مؤلفه‌ها را در آثار مورد مطالعه پژوهش حاضر نشان

می‌دهد:

کتاب	پرهیز از بدگویی	رعایت اصل احترام و ادب اختلاف	ارائه قرائت وفاق آمیز از نقاط اختلاف	استناد به منابع فریقین	پرهیز از بحث‌های جدلی	انصاف در نقل فضایل
کشف الغمه	*	*	*	*	*	...
فضایل اهل بیت				*
اعلام الوری	*	*	*	*	*	*
اصول کافی	*	*	*	...
الارشاد				*		



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابن مزاحم منقری، **وقعه صفین**، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۸ ق.
۲. ابن بطریق، الحافظ یحیی بن حسن، **عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ج ۱۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، **الفهرست** ترجمه رضا تجدد، تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
۵. اربلی، علی بن عیسی، تذکرة الفخریة بیروت، بی تا، بی تا.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ترجمه علی بن حسین زورائی، ج ۱، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، **المناقب**، ج ۲، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ش.
۸. ابن کثیر، عمادالدین ابوالفدا اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۱، بیروت، مکتبه المعارف، بی تا.
۹. آذرشب، محمد علی، **ملف التقرب**، تهران، مجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. ترکمنی آذر، پروین، **تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران**، تهران، مؤسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. تهوری، مسلم، علامه محمد تقی قمی مؤسس دارالتقرب مصر، زاهدان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. جعفری هرندی، محمد، **مروزی بر تاریخ فقه و فقها**، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. جعفری هرندی، محمد؛ بهرامیان، مسعود، فلاح زاده، احمد، «زمینه ها و علل واگرایی اجتماعی جامعه اسلامی در بغداد عصر آل بویه»، **نشریه سخن تاریخ**، س ۱۴، ش ۳۲، ۱۳۹۹ ش، صص ۱۱۳-۱۰۳.
۱۴. جعفریان، رسول، **مقالات تاریخی**، قم، دلیل ما، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. حائری، عبدالهادی، **ایران و جهان اسلام**، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴ ش.
۱۶. خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، **روضات الجنات**، ج ۵، تهران، مکتبه اسماعلیان، ۱۳۹۰ق.
۱۷. رضوان طلب، محمد رضا، **استراتژی تقرب مذاهب اسلامی**، مجموعه مقالات، تهران، مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۱۸. رضوی، سید ابوالفضل، **فلسفه انتقادی تاریخ**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. زرین کوب، عبدالحسین، **تاریخ در ترازو**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۳ ش.





۲۰. سجادی، سید صادق، «**تاریخ نگاری**»، ج ۱۴، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۲۱. صابری، حسین، **تاریخ فرق اسلامی**، ج ۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، **اعلام الوری باعلام الهدی**، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، اساطیر، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. طبری، عمادالدین حسین بن علی، **اخبار و احادیث و حکایات در فضائل اهل بیت رسول و مناقب اولاد بتول**، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری شعر، ۱۳۹۱ ش.
۲۴. عالم زاده، هادی؛ سجادی، سید صادق، **تاریخ نگاری در اسلام**، تهران، سمت، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. قزوینی رازی، عبدالجلیل، **النقض**، تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
۲۶. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تصحیح، ترجمه و توضیح حسین استاد ولی، ج ۲، تهران، دارالتقلین، ۱۳۹۰ ش.
۲۷. گرجی، ابوالقاسم، **تاریخ فقه و فقه**، تهران، سمت، ۱۳۸۷ ش.
۲۸. مدرسی طباطبایی، سید حسین، **مکتب در فرایند تکامل**، ترجمه هاشم ایزد پناه، تهران، کویر، ۱۳۸۶ ش.
۲۹. مرضیه محمد زاده، سعید طاووسی مسرور، **مدخل کلینی**، دایرةالمعارف تشیع، ج ۱۴، تهران، حکمت، ۱۳۹۰ ش.
۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الارشاد**، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، ج ۱، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۰ ش.